

اطراف مسجد سپهسالار و مجلس را محاصره کرد . مجاهدین نیز در گوشه و کنار مجلس سنگر گرفته و آماده جنگ و جدال شدند .

در این اثنا حاج سید جمال‌الدین افجه‌ای با جمعی از هواداران خود بسوی مجلس در حرکت بود. قزاقان در جلوی ساختمان نخل‌السلطان (محل فعلی وزارت آموزش و پرورش) راه پراو گرفتند و مانع رفتنش بجانب مجلس شدند . سید مقاومت کرد و کار بی‌جدال کشید و گلوله توپی نیز بسوی جمعیت شلیک شد . از صدای گوشخراش



درباره انقلاب مشروطیت

سیف‌اله و حیدرآباد

توپ الاغ سید فرار کرد و او را بر زمین انداخت . مردم نیز وحشت زده جمعی دور سید حلقه زدند و عده‌ای نیز فرار را بر قرار ترجیح دادند و بالاخره سید را بمنزل بانو عظمی بردند و بعد از آن جنگ بین قشون دولتی و مجاهدین در گرفت.

پس از مدتی زد و خورد و کلا و افرادی که در مجلس بودند چون اوضاع را وخیم دیدند دیوار شمالی مجلس را خراب کردند و از آن راه به پارتک امین-الدوله رفتند و مجاهدین نیز بر اثر تمام شدن فشنگ کم کم دست از جنگ کشیدند و فرار کردند و قزاقان و سربازان سیلاخوری به مجلس در آمدند و هر چه

محمد علی‌شاه در تاریخ ۴ جمادی-الاول سال ۱۳۲۶ هجری قمری به باغ‌شاه رفت و در تدارک مقدمات تعطیل مجلس و از لین بردن آثار مشروطیت و مشروطه خواهان برآمد.

روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ لیاخوف روسی ، جمعی از قزاقان و سربازان سیلاخوری را با چند عراده توپ بمحوطه مجلس فرستاد و

یافتند غارت کردند و در پیچره و ساختمانها
 را نیز ویران نمودند . و بعد به
 پناهندگان به پارك امين الدوله دست
 یافتند و آنان را با وضع اسف بار و باخت
 و خواری فراوان به باغ شاه بردند .
 افرادی که بیباغ شاه برده شدند
 عبارت بودند از: سید محمد طباطبائی -
 سید عبدالله بهبهانی - ممتاز الدوله رئیس
 مجلس اول - حاج میرزا ابراهیم وکیل
 آذربایجان - صادق صادق (مستشار الدوله)
 حاج میرزا یحیی (امام جمعه خوبی)
 حکیم الملك ملك المتکلمین و پسرش -
 جهانگیر خان (مدیر روز نامه صور
 اسرافیل) - قاضی ارداقی و برادرش -
 سید حسن مدیر حبل المتین - مدیر روح
 القدس - شیخ ابراهیم پسر عموی مدیر روح
 القدس - میرزا محمد علی خان مدیر روز نامه
 ترقی - حاجی محمد تقی بنکدار -
 حاجی خان خیاط - شاهزاده یحیی میرزا -
 میرزا داود خان - شاهزاده ناصر الملك -
 سید یعقوب انوار .
 پس از این فتح!! نمایان محمد
 علی شاه تلگرامی به میر هاشم نماینده
 تبریز می کند و طی آن متذکر می شود :
 «جناب مستطاب شریعتمدار آقامیر
 هاشم سلم الله تعالی ، با کمال قدرت فتح
 کردم . مفسدین را تمام گرفتار کرده .
 سید عبدالله را کربلا فرستادم سید محمد را
 بخراسان ، ملک المتکلمین و میرزا جهانگیر
 را سیاست کردم . مفسدین تماماً محبوس
 شمام با کمال قدرت مشغول دفع مفسدین

باشید و از من هم هر نوع تقویت بخواهید
 حاضر من منتظر جواب هستم جنابان حج -
 الاسلام سلمهم الله را احوال پرسم همین
 تلگراف را با ایشان نشان بدهید . محمد علی شاه
 قاجار . بالاخره بر اثر قیام و استقامت
 آزادیخواهان و پا فشاری آنان تهران
 فتح شد و روز سه شنبه ۲۴ جمادی الثانی
 ۱۳۲۷ قشون سردار اسعد بختیاری و
 سپه دار وارد تهران شدند و به جنگ
 با سربازان لیاخوف پرداختند و تهران را
 فتح کردند و روز جمعه ۲۷ جمادی الثانی
 ۱۳۲۷ محمد علی شاه بسفارت بیلاقی
 روس در زرگنده رفت و پناهنده شد .

* بنظر می رسد که این نامه در دوران
 نوشته شده باشد که محمد علی شاه خاک
 ایران را ترك گفته و در اروپا تدارک
 بازگشت با ایران را می دیده است .
 طرف خطاب نامه یا گیرنده آنها
 گویا عبدالحمید خان غفاری (سردار
 مقتدر) کاشی بوده است .

وی بعد از توب بستن مجلس به
 حبس مستبدین افتاد و پس از فتح تهران
 جزو مشروطه طلبان درآمد و در سال
 ۱۳۳۲ هجری قمری لقبش از بمین نظام
 بسردار مقتدر تبدیل یافت و در سال
 ۱۳۲۳ (ه. ق) بمعاونت وزارت جنگ
 رسید .

اکنون متن این نامه را مطالعه
 فرمائید:

بسم الله الرحمن الرحيم
اذکر انشاء الله والامر بیدانته

بمرض عالی میرساند پس از مراسم اظهارات خلوص و بیانات صادقانه اولاً تبریک ورود میمنت نمود جناب اجل عالی را نموده و ثانیاً بمرض پاره مطالب لازمه خواطر مبارک را مصدع می‌گردد که پس از انتشار اخبار انقلابات اخیراً ایران خاصه آذربایجان از تطاول دولتیان بی‌شرف و سردارهای بی‌ناموس بتحریر جمعی از مستبدین داخله و برخی از مفسدین خارجه مانند دولت روس که اولیای ایران را دستخوش بازیچه خود نموده و در خیال تصرف تام این مملکت کوچک اسلامی است حضرات آیات الله که سلسله جنبان اساس مشروطیت ایران و حامی احرار ملت فلک زده بی‌سروسامان می‌باشند دامت برکاتهم در هیجان و پس از تلگرافات لازمه بدولت نصحاً و الزاماً و بخرج نرفتن آن و بعد از اصدار احکام محکمه بموم ملت در وجوب دفع این سفاک ظالمه جابر که نه خانه خدا گذاشته و نه مجلس شوری نه رحمی بر مردان کرده و نه آزرمی از زنان چه بسا عصمتها که هتک نموده و چقدر از نفوس محترمه علتاً و اولیاء و بزرگان ملت را که بدرجه شهادت رسانده و چه میزان آشوبی که در ایران انداخته به آن قسمی که خود جناب اجل بهتر و بیشتر مستحضرید و این که حمایت مشروطه‌طلبان و حکم‌باین که اطاعت محمدعلی شاه اطاعت یزید بن معاویه و مالیات دادن به آن حرام و اعانه و همراهی نمودن بملت احرار آذربایجان بمنزله جهاد در رکاب امام زمان علیه السلام و رساندن آذوقه به آنها مثل رساندن آب بگلوی نشنه سیدالشهداء علیه السلام است و امثال اینها از احکام متعدده حضرت حجة الاسلام آقای حاج سیدعلی آقای تبریزی دامت افاضانه را مقدمتاً حرکت بسمت ایران خاصه آذربایجان داده که خودشان بعون اله بعد از انجام مهمات سفر حرکت کرده و در حمایت ملت مظلومه و رفع ظلم این ظالم ازجان و دل بکوشند. حجة الاسلام تبریزی هم با جماعتی از علماء عظام وارد خاقین و محض ملاحظه مصالحی چند که از جمله تبلیغ احکام به عشایر قریب به آنجا و ملتفت نمود نشان فواید مشروطیت و مضار استبداد را قدری توقف و از طرفی هم مشغول مخایره با طهران و سایر نقاط بوده لذا ما دعاگویان را با احکام آیات الله برای تبریز و رسیدن خدمت رؤساء عشایر بین راه و رساندن عین احکام به آنها خاصه جناب

اجل که از قدیم الایام معروف بتدین ~~و~~ تابع علماء اعلام بوده‌اید خصوصاً زحمات نمایان و اقدامات شایان جناب اجل در وقعه وزنه و ساوجیلاخ و جانفشانیهای غیورانه جناب عالی و بی‌میالاتی و سستی دولت دربارہ مدد دادن و کمک نمودن بشما بلکه در مقام اهانت برآمدن و دست و پای شما را در واقع بستن و بمیان دو آب گذاردن همه هفته به توسط جراید داخله و خارجه بنجف رسیده و همیشه در تحت قبه مطهره حضرات آیات‌اله وعموم طلبه آنجا بجان و دل دعا کرده نصرت شمارا از خداخواهان و بوجدوتان در بین عالمیان مفتخر و سرافراز بودند.

مأمور بودیم که خدمت رسیده و فرمایشات شفاهی ایشان را خدمتتان عرضه بداریم متأسفانه وقتی که به بناب رسیده پرسش نمودیم گفتند جناب اجل محض عدم مداخلت در امر تبریز و شمشیر کشیدن بروی آنان در زاویه طهران متقاعد می‌باشید. مأیوس شده و به تبریز وارد شدیم بخیال عرض عریضه بطهران بودیم خوشبختانه شنیدیم که سلامت‌وارد مراغه شده‌اید گرچه این سفر بعون‌الله از نقطه قصر تا به تبریز تمام رؤسا و صاحب‌منصبان افواج سواره و پیاده که در راه برخورد مسلمان و تابع علماء و حامی مملکت ایران دیده‌ایم و از همه بعد از تبلیغ احکام و رساندن سفارشات شفاهی لیبیک اجابت شنیده و خدمت آیات‌اله عرضه داشته‌ایم بلکه بعضی از آنها خودشان عریضه عریضه نوشته و در جوف خود بنجف فرستاده‌ایم جز جناب عالی که از حال حالیه‌تان مستحضر نبوده که انشاءالله برای موافقت قدم رنجه فرموده و یا خدای ناکرده علم ضدیت با علما که در واقع نمودن باالله ضدیت با خدا و رسول است صلی‌الله علیه و آله بلند نموده‌اید خدمت آیات‌الله چیزی عرضه نداشته جز بشارت ورود و راپورت مقاصد شما را به پستهای آتیه محول داشته‌ایم. لذا جسارت کرده و مصدع شده فرمایشات شفاخانه را تقدیم می‌نمائیم و آن این است: دو مقدمه مسلم است بنجر به وجودان یکی آنکه اگر حال آتیه مملکت ما خاصه با رفتار سوء این شخص مغرور از خدا بی‌خبر مثل دوره‌های سابق آن بنحو استبداد بگذرد خدای ناکرده چیزی نمی‌کشد که ایران ویران و اسم شش هزار ساله‌اش از میان رفته و گرفتار چنگال روس و انگلیس خواهد شد و این که از صد سال قبل تا کنون چقدر از وسعت و قدرت آن کاسته و چه اندازه بمشکلات لاینحل دچار شده است. و دیگر این که اگر نمودن باالله مملکت رفت رفتن دین و آئین و مضحک شدن شرف ملیت و غیرت قومیت ما مقارن با آن و دست بدست یکدیگر داده و خواهد رفت کما. این که در سایر ممالک اسلامی از قبیل ماران و قرم و اسپانیول و مصر و الجزیره و بلاد

بیدید قفقاز و ممالک اسلامی هند و سند و آفریقا از میان رفته و بوئی از اسلام در آن‌ها
بهمه مشام مسلمانان نمی‌رسد و بر فرض فی‌الجمله از مسلمانان هم در این مملکت در آن‌سورت
باقی بمانند ذلیل و خوارتر از یهود و آرامنه میشوند چرا که بقاء هر قومی بسلطنت و
دولت آن‌قوم است .

لذا بر ما مسلمانها واجب و لازم است که حفظ این مملکت را که در واقع حفظ شریعت
غرای احمدی و نگهداری موالیان امیر المؤمنین علیهما السلام است بنمائیم و علاج هم فعلا
محصور بشروطیت یعنی تحدید ادارات دولتی و اجراء قانون اساسی و بریدن دست‌معدیان و امنیت
جانی و مالی دادن به مسلمانان و کوشیدن در زیادتی قوای دولتی و تسهیل امور معاش
مردم و تحصیل قورخانه و توپخانه و کشتی‌های جنگی و قوشون مستعد ملی و دولتی که تا
بتوانیم آسوده در مقابل آنهمه قوت‌های همسایه‌های جنوبی و شمالی خودمان که شما بهتر
می‌دانید تا بیچه درجه است تمیش نموده و کلاه خود را نگاهداری نمائیم تا بزیر بار قرض
و شرایط خانه برانداز آنها نباشیم . اگر پی سگی آنان به‌شمشیر سربازی از ما بریده‌شد
در عوض خود سرباز را در زیر سه پایه نکشند، اگر يك اسب از قزاق‌های آنان در پیله سوار فرار
کرد در عوض جمع کثیری از مسلمانان کشته‌نشده و اموالشان تاراج و خانهایشان را بسوزانند و
هكذا این بود ملخص فرمایشات ایشان بشما و ملخص سفارشات آیات‌اله بانجمن ایالتی تبریز در
خصوص جناب اجل و متأید شدن ایشان بتأییدات شما هم در خود انجمن عرضه شده و از
تمام دل و جان حاضر در همراهی با جناب اجل می‌باشند . جناب اجل آقای سردار مقتدر
ای یگانه سردار با اقتدار مگر علماء اعلام نواب پیغمبر صلی‌اله علیه و آله نیستند مگر
فرمایشات ایشان فرمایشات آنحضرت نیست مگر ما ملت شیعه مقلد علماء و مطیع آنان
نباید باشیم مگر نمی‌دانیم که هر که مخالفت ایشان کند برو در آتش جهنم می‌افتد پس چرا
باید متابعت کسی که مثل یزید یا بدتر از اوست بمتابعت علماء که متابعت سیدالشهداء است
ترجیح بدهد مگر ما نمی‌گوئیم یالینا کنا معکم فننور قوزاً عظیماً پس چسرا باید در هم چو
وقتی که روز امتحان و در واقع مثل صحرای کر بلا است دست بالای دست گذاشته در کناری
نشسته با چشمهای گشاده و بازوهای پر قوت در مقام اجرای احکام مقدسه آیات‌اله و حفظ
مملکت اسلامی و نگهداری دین و آئین خودمان بر نیائیم چرا بیاید حمایت احرار تبریز
نمائیم . مگر ما مسلمان نیستیم یا خدای نا کرده از اهل این خلك و اولاد ایران
نمی‌باشیم .

ای‌های ، ای‌های وقت تنگ است قافله مسلمانان ایران لنگ . حالا که اعلیحضرت

از تحصیل استعداد و ازدیاد جمعیت از حزب یزیدیان عاجز شده خزانه بی پول قور خانه و توپخانه بی آلات حرب راه قرض کردن از خارجه هم با اعلانات علما و ملت تبریز و سایر مسلمانان عالم بدون براین که در مملکت که رسماً مشروطه و مجلس شورا معتقد نیست بر حسب ماده بیست و چهارم و بیست و پنجم قانون اساسی قرض کردن سلطان و معاهده بستن با دولت دیگر بدون اجازه مجلس شوری بی جا و فعلاً انجمن ایالتی تبریز در قوه پارلمان و بی تصویب آنان نباید قرض بدهند از میان رفته لذا دو دسته بدامن آقای بزرگوارش روس چسبیده میخواید تبریز را چند ساله تسلیم روس نماید تا او بعد از جنگ با تبریز و تصرفش و نگاهداشتن چند سال با اعتقاد آنها با آنها بر گرداند، هیئات هیئات اگر سایر ممالک اسلامی بر گشت اینهم بر میگردد ولی الحمد لله بواسطه باحسی و بیداری این ملت که ماشاء الله در راه حفظ وطن و دین خودشان دیوانه و از جان گذشته با تمام گرمی مثل مردمان مست حرکت میکنند و بواسطه معاهده با انگلیس در عدم مداخله در داخله ایران و بحرکت آمدن تمام مسلمانان دنیا خاصه قفقاز و عثمانی در همراهی با تبریز و محض رقابت آلمان نمی تواند روس اقدام در این امر بکند چنانکه تازه گئی پشمام دول اعلان داد که من در داخله ایران کاری ندارم و با ملت طرف نیستم و اعلیحضرت ماهم مطلب را باین قسم دیده سفرارا خواسته و گفته است که من مشروطه را میدهم بشرطی که دول سایره در حفظ من و خانواده ام و کسانم ضمانت کنند آنها هم قبول نکرده اند. شمارا بخدا قسم میدهم عارمان نمی آید که سلطان ما با سفرای کفر این جور سؤال و جواب کند که در روزنامه های خارجه نوشته و مضحکه نمایند تف بر این غیرت اف بر این عصمت.

امیدوارم که پس از خواندن صورت و عکس احکام تحجیری در عالم اسلامیت پیدا نکرده محض اجراء احکام با تبریزیان صدا بسدا داده و در همراهی با مقاسدشان شریک گردیده تا انشاء الله در این آخر عمر از حزب یزید محسوب نشده و اجر دنیا و آخرت پیدا کرده و تا ابد در صفحات تاریخ خوش نام بوده و عاقبت اولاد و احفاد خود را مثل سایر مستبدین از قبیل شجاع نظام و بعضی ملانها غابن و خاسر قرار ندهید. من آنچه شرط بلاغ است خدمت شما عرضه نمودم دیگر خود مختارید.

مستدعیم جواب را مرقوم داشته بلکه عریضه تشکری خدمت آیات الله نجف عرضه داشته در جوف پاکت ارسال دارید تا به نجف بفرستم. منزل محله راسته کوچه خانه جناب حاجی علی آقای قنادی معروف هیئت علمیه نجف محل مهر